

اثربخشی مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین

اعظم جلالی^۱

منصوره بهرامی پور اصفهانی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر اثربخشی مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین بود. روش پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون و دوره‌ی پیگیری دوماهه همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه والدین دارای نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل و فرزندانشان در شهر اصفهان در تابستان ۱۴۰۰ بود. بدین منظور از طریق درج فراخوان در مراکز مشاوره و دعوت به شرکت در پژوهش، به شیوه نمونه‌گیری در دسترس و با در نظر گرفتن ملاک‌های خروج و ورود، تعداد ۴۰ نفر انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۲۰ نفر آزمایش، ۲۰ نفر کنترل) گمارده شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل واریانس آمیخته در نرم افزار SPSS-24 استفاده شد. نتایج نشان داد، مدل آموزش والدین براون بر متغیرهای واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین تاثیر معنادار دارد و اثرات آموزش در طول زمان ثابت باقی مانده است ($p < 0/01$). با توجه به اثربخشی مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در ارتقاء واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان پیشنهاد می‌شود برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی نوجوانان خارج از کنترل، اقدامات موثری از سوی متخصصین به انجام برسد.

کلید واژه‌ها: آموزش والدین براون، واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، شادی، نوجوانان

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) Bahramipourisfahani@khuisf.ac.ir

مقدمه

برجسته ترین عامل در بروز مشکلات هیجانی و رفتاری در فرزند، محیط خانواده است (بامبر^۱؛ ۲۰۱۹). نگاهی به پژوهش‌های اخیر (وولی^۲؛ ۲۰۱۹؛ پانتا^۳؛ ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که توجه به مسأله خانواده در بررسی آسیب‌های روانشناختی فرزندان به طور فزاینده‌ای مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که تعارض والد-فرزند با بسیاری از مسائل روانی نوجوانان مرتبط هستند (درسکول^۴ و پانتا، ۲۰۱۷). هر چقدر فرد در دوران کودکی ارتباط مؤثرتری با والدین داشته باشد و والدگری مثبت‌تری را تجربه کند، سازگاری و عقاید سالم‌تری را در دوره‌های بعدی زندگی خواهد داشت و زندگی شادتر و احساس خوشبختی و تحول مثبت‌تری را تجربه خواهد نمود. نوجوانان خارج از کنترل والدین، منظور نوجوانانی هستند که به طور مناسب رفتار خود را مدیریت نمی‌کنند، به قدرت و اقتدار والدین پاسخگو نیستند و به طور جدی در معرض خطر و مشکلاتی می‌باشند (براون^۵؛ ۲۰۱۶). یکی از مشکلات نوجوانان واکنش‌پذیری هیجانی^۶ آن‌ها است (اوبریان، مک لیش و جانسون^۷؛ ۲۰۱۷). که منظور میزان هیجانی است که فرد در پاسخ به محرک‌های هیجانی تجربه می‌کند (نوک، ویدج، هولمبرگ و هولی^۸؛ ۲۰۱۸). واکنش‌پذیری هیجانی در ایجاد و تداوم مشکلات رفتاری نقش دارد، به طوری که مشکلات رفتاری شدید، ممکن است تلاشی برای اجتناب یا فرار از واکنش‌پذیری هیجانی قوی تجارب آزرده باشد. پژوهش‌های انجام گرفته نیز نقش واکنش‌پذیری هیجانی را در ایجاد و حفظ اختلالات اضطرابی مثل اضطراب فراگیر، اضطراب اجتماعی و اختلالات شخصیت و همچنین جلوگیری از تحول مثبت بخصوص در کودکان و نوجوانان را تأیید کرده‌اند (مینین، مک لاوگلین و فلانگن^۹؛ ۲۰۱۶).

از آنجا که روان‌شناسان تحولی تلاش دارند تا نوجوانی به عنوان دوره فشار و طوفان شناخته نشود، روی آورد جدیدی بنام تحول مثبت نوجوانی^{۱۰} زا پایه‌گذاری نمودند. این رویکرد، نوجوانان را به عنوان

¹ - Bamber

² - Woolley

³ - Pianta

⁴ - Driscoll

⁵ - Brown & Lent

⁶ - Emotional Reactivity

⁷ - O'Bryan, McLeish & Johnson

⁸ - Nock, Wedig, Holmberg & Hooley

⁹ - Mennin, McLaughlin & Flanagan

¹⁰ - Positive Youth Development

منابعی غنی از تحول می‌داند و نه به‌عنوان مشکلاتی که باید مدیریت شوند (دامون، ۲۰۱۷). رویکرد تحول مثبت نوجوانی بر این باور است که علی‌رغم مشکلات چندوجهی از جمله سوء‌مصرف مواد و الکل، روابط جنسی پرخطر و نایمن، بارداری، جنایت و بزهکاری، افسردگی و رفتارهای خودتخریب‌گرانه که در دوران نوجوانی مشاهده می‌شود؛ بسیاری از نوجوانان این دوره را به صورت بحرانی لزوماً طی نمی‌کنند (لرنر، ۲۰۱۵). تحول مثبت ۵ مؤلفه اصلی نوجوان است که عبارتند از: صلاحیت و شایستگی، اعتماد، ارتباط، منش، و مراقبت. در واقع فرضیه دوم عملیاتی کردن تحول مثبت نوجوانی است، به عبارتی زمانی که نوجوانان این پنج مؤلفه را در گذر زمان نشان می‌دهند، مسیر زندگی آن‌ها به سمت بزرگسالی ایده‌آل خواهد رفت (لارسن، واکر و پرس، ۲۰۱۷). تحول مثبت نوجوانی موجب تقویت احساس مسئولیت‌پذیری^۳ بیشتر در نوجوان نیز می‌شود (دامون، ۲۰۱۷). گلاسر^۴ (۲۰۱۵) مسئولیت‌پذیری را به عنوان توانایی برآوردن نیازهای فردی و اجتماعی خود در وقت و موقعیت مناسب، و انجام آن به گونه‌ای که به نیازهای دیگران آسیبی وارد نشود و در راستای کمک به آن‌ها قرار گیرد. مسئولیت‌پذیری افراد در هر جامعه‌ای، یکی از ارزش‌های آن جامعه محسوب می‌شود و از شاخص‌های مهم سلامت روان و احساس شادی و نشاط محسوب می‌شود (گلاسر، ۱۳۹۴). شادی عبارت است از مقدار ارزش مثبتی که یک فرد برای خود قائل است. این سازه دو جنبه عاطفی که نمایانگر تجربه هیجانی شادی، سرخوشی و خشنودی و سایر هیجان‌های مثبت هستند؛ و ارزیابی شناختی رضایت از قلمروهای مختلف است (آیزنک، ۱۳۹۵).

براین اساس، دوره نوجوانی می‌تواند مملو از هیجان‌ات مثبت و منفی باشد که در اینجا نقش خانواده بسیار مهم است. در واقع، برجسته‌ترین عامل در بروز عدم مشکل یا مشکلات هیجانی و رفتاری در فرزند، محیط خانواده است (اتکنیسون و هیلگارد، ۱۳۹۷). زندی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بیان تاثیر آموزش والدگری مثبت بر تقویت انگیزه‌های تحصیلی، مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی پرداختند. نتایج مطالعه دیگری نشان داد آموزش والدگری مثبت بر افزایش شادی و نشاط، بهبود خودکارآمدی نوجوانان و کاهش تعارض والد-فرزندی تاثیر معنی‌داری داشته است (فرشادی، نجارپوریان و شنیدی، ۱۳۹۷). وولی (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اثربخشی

¹ - Damon

² - Larson, Walker & Pearce

³ - responsibility

⁴ - Glasser

آموزش والدگری بر شادزیستن، احساس مسئولیت‌پذیری و ارتباط با فرزندان پرداخت و به نتایج مثبتی در این راستا رسید. ویتینگهام، سوفرنوف، شفیلد و ساندرز^۱ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی به بررسی تاثیر آموزش فرزندپروری به والدین بر احساس مسئولیت‌پذیری و مدیریت رفتار والدین دارای فرزند اتیسم پرداختند و نشان دادند که آموزش بطور معناداری بر افزایش متغیرهای مذکور تاثیر داشت. پانتا (۲۰۱۸) طی پژوهشی بیان داشت که آموزش والدگری مثبت به مادران بمنظور افزایش رفتارهای مسئولیت‌پذیری، احساس شادی و واکنش‌سازی مثبت دانش‌آموزان تاثیر داشت. آموزش والدین مبتنی بر براون نیز برنامه‌ای جدید و جهان‌شمول درباره‌ی فرزندپروری است که باعث ایجاد رابطه مثبت بین والدین و فرزندان می‌شود و کمک می‌کند تا والدین راهبردهای موثر مدیریت را در برخورد با انواع مسائل رشدی و رفتاری کودکی او بیاموزند، برنامه ساده‌ای که به نظر می‌رسد می‌تواند تغییرات بزرگی در خانواده‌ها ایجاد کند و به والدین کمک کند تا دریابند که وقتی به روش‌های جدیدی حرف بزنند، فکر و عمل کنند، نتایج عمل بهتری در والدگری خواهند داشت (ساندرز^۲، ۲۰۱۲). در مدل براون، از طریق چشم انداز سیستم خانواده، مدلی برای درک و درمان نوجوانان مشکل‌دار ارائه می‌شود. در این مدل به والدین آموزش داده می‌شود که بتوانند، مشکل نوجوانان را به طور اساسی به عنوان یک مشکل خانوادگی ببینند و آن را از طریق بازسازی تعاملات خانوادگی حل و فصل کنند. در این مدل از فنون معناگرایی مثبت استفاده می‌شود یعنی تغییر از دید منفی به دید مثبت نسبت به مردم و نیت آنان و تغییر سلسه مراتب قدرت از نوجوانی که در قبال خانواده مسئول است، به والدینی که مسئول هستند، اما فقط خودشان مسئول هستند. بدین معنی که والدین مسئولیت را بر عهده خود نوجوان می‌گذارند تا نوجوان وظیفه و تکلیف خود را به شکل مسئولانه‌تری بر عهده بگیرد و به طور ضمنی توسط والدینی هدایت شود که قدرت خود را بدون جدال و کشمکش اعمال می‌کنند. در رویکرد براون، احساس آرامش، اطمینان بخشی و دلسوزی وجود دارد، در عین حال که باثبات و همراه با اعتماد بنفس و احساس احترام است (براون، ۲۰۱۶). با توجه به اهمیت مطالب مطرح شده و خلاء پژوهشی در این زمینه، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که آیا مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین موثر است؟

^۱ . Whittingham, Sofronoff, Sheffield & Sanders

^۲ - Sanders

روش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل و دوره پیگیری دو ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه والدین دارای نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل و فرزندانشان در شهر اصفهان در بازه زمانی تابستان ۱۴۰۰ بود. در ابتدا جهت غربالگری و شناسایی نوجوانان خارج از کنترل والدین، پرسشنامه دو فرمی تعارض والد-فرزندى مورای و اشتراوس (۱۹۹۰) در اختیار مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره فعال در حوزه کودک و نوجوان شهر اصفهان قرار گرفت، پس از آن نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال و والدینشان (که نمره آنان در پرسشنامه از نقطه برش ۶۰ به بالا بود) با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش، تعداد ۴۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۲۰ نفر آزمایش، ۲۰ نفر کنترل) گمارده شدند و پرسشنامه‌های پژوهش را به عنوان پیش‌آزمون تکمیل نمودند.

ابزارهای پژوهش که در سه مرحله پژوهش مورد سنجش قرار گرفتند، شامل موارد زیر بودند.

پرسشنامه واکنش‌پذیری هیجانی^۱ (ERS): این پرسشنامه توسط ماتو و نوک^۲ در سال ۲۰۰۸ به منظور ارزیابی واکنش‌پذیری افراد به تجارب هیجانی‌شان تدوین شد. این مقیاس دارای ۲۱ آیتم و ۳ خرده مقیاس است: حساسیت (آیتم‌های ۲، ۵، ۷، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸) شدت (۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۴، ۳) و پایداری (۱۱، ۱۰، ۸، ۱) است. عبارت‌های این پرسشنامه براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از صفر (اصلاً شبیه من نیست) تا (۴ کاملاً شبیه من است) نمره گذاری می‌شود. نمره بالاتر نشان‌دهنده واکنش‌پذیری بالاتر است. برای به دست آوردن نمره کلی واکنش‌پذیری هیجانی، نمره تمامی عبارت‌ها با هم جمع شده و برای به دست آوردن نمره هر کدام از زیرمقیاس‌ها، نمره ماده‌های مربوط به هر زیرمقیاس با هم جمع می‌شوند. ماتو و نوک (۲۰۰۸) ساختار عاملی این پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار داده و ۳ عامل استخراج کردند. ضرایب آلفای کرونباخ و بازآزمایی این مقیاس به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۸ توسط طراحان آزمون گزارش شد. در مطالعه‌ی دیگری آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۴، خرده مقیاس حساسیت ۰/۸۸، شدت ۰/۸۶

^۱ . emotional reactivity Questionnaire

^۲ . Matuo & Nock

و پایداری ۰/۸۱ گزارش شده است (نوک و همکاران، ۲۰۱۸). همسانی درونی (به روش آلفای کرونباخ) و پایایی بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۷۲ به دست آمد (مقبلی، زنجانی و امیدی، ۱۳۹۹). همچنین در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه گردید.

پرسشنامه تحول مثبت نوجوانی (PYD-VSF): پرسشنامه تحول مثبت نوجوانی توسط گلدوف^۲ و همکاران (۲۰۱۴) تهیه شده است. پرسشنامه دارای ۱۷ سوال براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرتی است. همچنین دارای پنج خرده مقیاس: شایستگی، اعتماد، ارتباط، خلق و خو، و مراقبت است. گلدوف و همکاران (۲۰۱۴) در نهایت ساختار عاملی ساده‌ای به دست آمد که با ۵ عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک، می‌توانست ۳۳/۵۴ درصد از واریانس را تبیین کند. ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ در تغییر بود و نشان داد که تمامی زیر مقیاس‌ها پایا بودند. ضرایب آلفا و دو نیمه کردن برای کل نیز به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۷ بودند (دولتی، کوچک‌انتظار و صادقی، ۱۳۹۹). همچنین در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد.

پرسشنامه مسئولیت پذیری (RQ):^۳ پرسشنامه مسئولیت‌پذیری توسط سالکوسکیس و همکاران (۲۰۰۰) ساخته شده است و یک مقیاس خودگزارشی است که باورهای فرد را درباره مسئولیت‌پذیری می‌سنجد. این پرسشنامه دارای ۱۶ سوال بسته پاسخ با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم نمره ۲، نظری ندارم نمره ۳، موافقم نمره ۴ و کاملاً موافقم نمره ۵) می‌باشد. نمره بالاتر در این مقیاس بیانگر مسئولیت‌پذیری بیشتر است. کمترین و بیشترین نمره در این پرسشنامه به ترتیب ۱۶ و ۸۰ می‌باشد. پرسشنامه بدون مولفه بوده و به منظور بررسی اعتقادات کلی در مورد مسئولیت‌پذیری، طراحی شده است. سالکوسکیس و همکاران (۲۰۰۰) روایی همگرایی آن با مقیاس نگرش‌های مختل بک و همکاران (۱۹۹۱) ۰/۶۶ و پایایی پرسشنامه را به ترتیب ۰/۵۵ گزارش داده است. همچنین در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمد.

^۱ . positive youth development very short form

^۲ . Geldof

^۳ . responsibility Questionnaire

پرسشنامه شادی آکسفورد (OHI): پرسشنامه شادی توسط آرگیل، مارتین و کرسلند (۱۹۸۹) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۹ سوال بسته پاسخ با طیف چهار گزینه ای لیکرت (اصلا نمره ۰، کم نمره ۱، متوسط نمره ۲، زیاد نمره ۳) می‌باشد. نمره بالاتر در این مقیاس بیانگر شادی و نشاط بیشتر است. پایایی پرسشنامه توسط آرگیل و همکاران، بر اساس آلفای کرونباخ، ۰/۹۰ و پایایی باز آزمایی آن در طی یک هفته، ۰/۷۸ گزارش شد. همبستگی این پرسشنامه با مقیاس عاطفه مثبت برادبرن (۰/۳۲)، با شاخص رضایت از زندگی آرگیل (۰/۵۷) و با پرسشنامه افسردگی بک (۰/۵۲-) محاسبه شد. بررسی همسانی درونی این پرسشنامه با نمره کل، همبستگی بالایی داشتند و آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. همبستگی پرسشنامه شادکامی آکسفورد با افسردگی بک و زیر مقیاس های برون گرایی و نوروژ گرابی پرسشنامه شخصیتی آیزنک به ترتیب برابر با ۰/۴۸-، ۰/۴۵، ۰/۳۹- بود که روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه را تأیید کرد. علی پور و نور بالا (۱۳۷۸) ضریب همسانی درونی را ۰/۹۴ و اعتبار بازآزمایی را ۰/۷۸ محاسبه کردند. در دو نیمه کردن به روش اسپیرمن، مقدار آلفای ۰/۹۲ و به روش گاتمن ۰/۹۱ محاسبه شد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شده است. همچنین در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد.

روش اجرا

به منظور اجرای پژوهش، از نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال و والدین آنها در شهر اصفهان، دعوت به عمل آمد در طرح پژوهشی شرکت نمایند. به این صورت که پرسشنامه تعارض والد-فرزندی والدین مورای و اشترواس (۱۹۹۰) در اختیار مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره فعال در حوزه کودک و نوجوان شهر اصفهان قرار گرفت، بر این اساس تعداد ۸۶ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند. از این تعداد، ۴۰ نفر بر مبنای ملاک‌های ورود و خروج به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل ۱. تمایل شخصی برای شرکت در پژوهش؛ ۲. نوجوان خارج از کنترل والدین بر اساس نمره کسب شده از پرسشنامه تعارض والد-فرزندی (نمره کسب شده در پرسشنامه بالاتر از نقطه برش ۶۰)؛ ۳. دارای دامنه سنی ۱۲-۱۵ سال؛ ۴. عدم ابتلا به اختلالات روانی حاد یا مزمن (مصاحبه اولیه)؛ ۵. عدم استفاده از درمان‌های روان‌شناختی همزمان (مصاحبه اولیه)؛ ۶. عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی از ۳ ماه

۱. oxford happiness inventory

قبل (مصاحبه اولیه)؛ ۷. عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی (مصاحبه اولیه) بودند. ۱. مصرف انواع مواد مخدر روان‌گردان و الکل (خودگزارش‌دهی)؛ ۲. عدم انجام تکالیف ارائه شده و ۳. غیبت بیش از ۲ جلسه، به عنوان ملاک‌های خروج از پژوهش در نظر گرفته شدند. پس از انتخاب نهایی، نوجوانان و والدینشان به صورت تصادفی در گروه آموزشی و گروه کنترل گمارده شدند و نوجوانان، پرسشنامه‌های پژوهش را به عنوان پیش‌آزمون تکمیل نمودند. گروه آزمایشی در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفتگی آموزش والدین مبتنی بر براون شرکت نمودند و گروه کنترل در این مدت مداخله‌ای دریافت نکرد. لازم به ذکر است که مداخله توسط یک روانشناس با مدرک کارشناسی ارشد با سابقه کار در مداخله اجرا شد. پس از اتمام جلسات آموزشی و دو ماه پس از آن، مجدداً پرسشنامه‌های پژوهش توسط دو گروه تکمیل شد. این بسته با استفاده از مقالات و کتب مرتبط در این زمینه و پروتکل آموزشی والدین براون (۲۰۱۶) بود و از انجایی که این پروتکل برای نخستین بار در ایران به اجرا می‌آمد توسط پنج نفر از متخصصین کودک و نوجوان مورد تایید قرار گرفت و در نهایت توسط پژوهشگر و تحت نظر استاد راهنما و بر روی والدین نوجوانان گروه آزمایش اجرا شد. برای به دست آوردن روایی آن، بسته آموزشی به امضا و تأییدیه ۵ نفر از اساتید گروه روانشناسی رسید که ضریب توافق درونی آنان ۰/۷۴ به دست آمد که نشان دهنده روایی مناسب بسته آموزشی است. خلاصه جلسات در جدول ۱، ارائه شده است:

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزشی والدین مبتنی بر براون (۲۰۱۶)

جلسه	هدف	شرح جلسات
اول	آشنایی والدین با مدل آموزش براون - آشنایی با برنامه های فرزندپروری	آشنایی با اعضای گروه، توصیف اجمالی در مورد برنامه های فرزندپروری و هدف استفاده از آن، توضیح قوانین اساسی، توصیف اجمالی جنگ قدرت والدین و فرزندان، تأثیرات مخرب جنگ قدرت بر کل خانواده، اهداف کلی برنامه آموزش والدین شامل پاسخگویی نوجوان به اقتدار والدین رفتار درست و متین و تعامل مثبت آموزشی و اجتماعی
دوم	آشنایی والدین با عوامل موثر بر رفتار نوجوانان و برنامه های فرزندپروری	مرور جلسه پیشین، توضیح مراحل سه گانه نوجوانی و ویژگیهای خاص هر دوره، بلوغ و تغییرات فیزیولوژیکی نوجوانی و تأثیرات دوپامین بر مغز
سوم	تقویت تعاملات مثبت بین والدین و نوجوانان و ارائه راهکارهای لازم ارتباطی	بررسی مطالب جلسه قبل، ارائه بازخورد، آشنایی با چهار نوع خلق و خوی انسانی، سبک های متنوع فرزندپروری و ویژگی های آن، بررسی عوامل اصلی بروز جنگ قدرت والدین نوجوان شامل واکنش پذیری، شخص سازی و لحن عاطفی منفی
چهارم	آموزش مهارت هایی به والدین به منظور کنترل رفتارهای نامطلوب	تقویت تعاملات مثبت بین والدین و نوجوان و ارائه راهکارهای لازم جهت تقویت روابط مثبت با نوجوان، چگونگی ایجاد نگرش درست نسبت به نوجوان، ایجاد نگرش مثبت و درست در مورد خود و درک خلق و خوی اصلی نوجوان و حمایت از او چه در شکستها و چه در موفقیتها، داشتن دیدگاه درست در مورد خود
پنجم	آنچه لازم است در طی مداخله تغییر کند.	قدرت امتیازات کسب شده و تعریف واژه امتیاز به معنای هر چیزی فراتر از عشق و مبانی زیستی، توضیح تمایز بین عواقب ناخوشایند رفتار و محرومیت از یک امتیاز، به طوری که پیامد یک رفتار به عنوان مجازاتی برای خطاکاری نوجوان است و نوجوانان خود را قربانی می پندارند در صورتی که واژه امتیاز تداعی کننده مسئولیت نوجوان در قبال کسب آن است
ششم	بررسی نحوه تعاملات والدین و	مشکلات والدین در اجرای دستورات و نحوه برقراری ارتباط با نوجوان مورد بررسی قرار می گیرد بدین منظور مقرر گردید ۱- جلسه ای برای صحبت با نوجوان ترتیب دهید

نوجوان	<p>که در آن هیچ عامل حواس پرتی نباشد ۲- بررسی مشکل و موضوعات ارتباطی ۳- به رسمیت شناختن سهم خود به عنوان والد در این مشکل و اجتناب از مقصر جلوه دادن دیگری ۴- لیستی از نقاط قوت نوجوان تهیه شود ۵- لیستی از امتیازاتی که نوجوان از آن لذت می برد تهیه شود ۶- مشخص کنید نوجوان قبلاً به خاطر مسئولیت پذیری و داشتن رفتار رضایتبخش امتیازاتی کسب کرده و اکنون به دلیل فقدان مسئولیت از آن برخوردار نیست ۷- عذرخواهی به دلیل عدم وضع استانداردهای بالا برای نوجوان ۸- لیست رفتارهایی که باید تغییر کند ۹- آگاه کردن نوجوان از امتیازاتی که ممکن است از دست بدهد.</p>
<p>بررسی اجمالی مسائل و موضوعات مطرح شده در جلسات پیشین هفتم</p>	<p>برنامه ریزی برای اجرای آموزش ها و تکالیف ناتمام، توضیح کسب مهارت شادی به عنوان ابزار کنترل جنگ قدرت، پرورش مهارت شادی از طریق خود آگاهی و پذیرش خود، اشتیاق و اهداف، مهارت تنظیم هیجان، مدیریت مسئولیت ها، مهارت های ارتباطی، نگرش خوشبینانه</p>
<p>عواملی که مانع حفظ تغییرات و اصلاحات صورت گرفته خواهد شد. هشتم</p>	<p>تعریفی از نوجوان سرکش، موانع و عواقب عدم اقدام شرح داده شد. مرور جلسات گذشته، بررسی موانع حفظ تغییرات، راهکار حفظ تغییرات و جمع بندی نهایی آموزش ها، بررسی تکالیف انجام شده از سوی والدین و رایه بازخوردها</p>

بعد از جمع آوری داده ها، در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از تحلیل واریانس آمیخته استفاده شد. داده ها از طریق نرم افزار **SPSS** نسخه ۲۴ تحلیل شد. سطح معناداری قابل قبول مورد استفاده در پژوهش حاضر حداقل ۰/۰۰۱ و حداکثر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

میانگین سنی در گروه آزمایش ۱۳ سال و در گروه کنترل ۱۴ سال بوده است. در گروه آزمایش، ۱۲ نفر (معادل ۶۰ درصد) دارای جنسیت دختر و ۸ نفر از این گروه نیز (معادل ۴۰ درصد) دارای جنسیت پسر بودند. در گروه گواه، ۱۳ نفر (معادل ۶۵ درصد) دارای جنسیت دختر و ۷ نفر از این گروه نیز (معادل ۳۵ درصد) دارای جنسیت پسر بودند. در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی متغیرهای واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و شادی به تفکیک گروه‌های پژوهش و در سه مرحله سنجش ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرها در دو گروه پژوهش در سه مرحله زمانی

گروه کنترل			گروه آزمایش			زیرمقیاس	متغیر
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری		
میانگین (م.ا)	میانگین (م.ا)	میانگین (م.ا)	میانگین (م.ا)	میانگین (م.ا)	میانگین (م.ا)		
(۶/۶۵)۳۸/۷۵	(۶/۷۳)۳۹/۱۵	(۶/۴۸)۳۸/۲۰	(۸/۰۷)۳۱	(۸/۴۴)۳۰/۱۰	(۷/۷۶)۳۶/۹۵	واکنش‌پذیری هیجانی	
(۷/۴۵)۳۷/۹۵	(۷/۸۰)۳۷/۶۵	(۷/۴۹)۳۸/۶۰	(۸/۶۴)۴۵/۷۰	(۹/۲۲)۴۶/۶۵	(۷/۷۲)۳۹/۰۵	تحول مثبت نوجوانی	
(۱۰/۲۰)۳۸/۲۰	(۱۰/۲۹)۳۸	(۱۰/۰۶)۳۹/۲۰	(۹/۷۲)۴۵/۷۵	(۹/۸۷)۴۶/۸۰	(۷/۵۷)۳۹/۶۰	مسئولیت‌پذیری	
(۹/۰۹)۳۹/۰۵	(۹/۲۲)۳۸/۷۰	(۹/۲۲)۳۸/۷۰	(۸/۵۵)۴۲/۸۵	(۹/۱۵)۴۲/۸۰	(۸/۴۴)۳۴/۸۵	شادی	

بر اساس نتایج جدول ۲، در هر چهار عامل، گروه آزمایش تحت آموزش در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نسبت به مرحله پیش‌آزمون، و در مقایسه با گروه کنترل، بهبودی را در میانگین داشته‌اند. قبل از اجرای تحلیل واریانس آمیخته، در جهت بررسی پیش‌فرض‌های این تحلیل، آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها، آزمون لوین به منظور بررسی برابری واریانس خطا بین دو گروه پژوهش انجام و تأیید شدند ($p > 0.05$). پیش‌فرض کرویت از طریق آزمون ماچلی نیز بررسی شد و نشان داد که این پیش‌فرض رعایت شده است ($p > 0.05$). در جدول

۳، خلاصه نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای تاثیرات درون گروهی و بین گروهی برای متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۳. تحلیل واریانس آمیخته جهت بررسی تاثیرات درون و بین گروهی نمرات متغیرهای پژوهش

متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
مراحل	۲۱۴/۰۶	۲	۱۰۷/۰۳	۴۸/۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵	۱
واکنش پذیر هیجانی	۱۰۸۶	۱	۱۰۸۶	۲۸/۲۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	۱
تعامل مراحل و گروه بندی	۳۴۹/۲۹	۲	۱۷۴/۶۳	۷۸/۳۸	۰/۰۰۰۱	۰/۶۷	۱
خطا	۱۶۹/۳۳	۷۶	۲/۲۲				
مراحل	۲۶۸/۸۱	۲	۱۳۴/۴۰	۵۵/۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۵۹	۱
تحول مثبت نوجوانی	۹۸۶/۱۳	۱	۹۸۶/۱۳	۱۷/۲۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	۱
تعامل مراحل و گروه بندی	۴۲۶/۵۱	۲	۲۱۳/۲۵	۸۷/۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۹	۱
خطا	۱۸۵/۳۳	۷۶	۲/۴۴				
مراحل	۲۱۰/۸۱	۲	۱۰۵/۴۰	۳۱/۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۵	۱
مسئولیت پذیری	۹۳۵/۲۰	۱	۹۳۵/۲۰	۲۴/۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۱
تعامل مراحل و گروه بندی	۴۱۰/۸۱	۲	۲۰۵/۴۰	۶۱/۵۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱	۱
خطا	۲۵۳/۷۰	۷۶	۳/۳۳				
مراحل	۴۱۲/۶۱	۲	۲۰۶/۳۰	۵۹/۸۰	۰/۰۰۰۱	۰/۶۱	۱
گروه بندی	۳۳۲/۴۱	۱	۳۳۲/۴۱	۲۸/۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	۱
شادی	۵۶۰/۵۱	۲	۲۸۰/۲۵	۸۱/۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸	۱
تعامل مراحل و گروه بندی							
خطا	۲۶۲/۲۰	۷۶	۳/۴۵				

نتایج جدول ۳، نشان داد که میانگین نمرات متغیرهای واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین فارغ از تاثیر گروه بندی در طی مراحل پس آزمون و پیگیری دچار تغییر معنادار شده که این تغییر با مقایسه با پیش آزمون یک تفاوت معنادار به شمار می رود. از طرفی نتایج سطر دوم برای هر متغیر در جدول فوق بیانگر آن است که متغیر گروه بندی (مدل آموزش والدین براون) فارغ از مراحل بر متغیرهای پژوهشی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین تاثیر معنادار داشته است. بدین معنا که اثر مدل آموزش والدین براون در مقایسه با گروه کنترل یک اثر معنادار بوده است. در نهایت اما سطر مربوط به تعامل مراحل و گروه بندی به عنوان مهم ترین یافته جدول فوق حاکی از آن است که مدل آموزش والدین براون با تعامل مراحل نیز تاثیر معناداری بر مراحل آزمون (پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری) واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین داشته است. همچنین نتایج نشان داد که به ترتیب ۶۷، ۶۹، ۶۱ و ۶۸ درصد از تغییرات متغیرهای نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین توسط تعامل متغیر مراحل و گروه بندی تبیین می شود. حال در ادامه به مقایسه مراحل آزمون با همدیگر پرداخته می شود تا مشخص شود تغییرات صورت گرفته در کدامیک از مراحل بوده است.

جدول ۴: بررسی تفاوت های دو به دو در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری در متغیرهای پژوهشی

متغیر	مراحل آزمون	تفاوت میانگین ها	خطای انحراف معیار	مقدار معناداری
واکنش پذیری هیجانی	پیش آزمون	۲/۹۵	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	۲/۷۰	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱
تحول مثبت نوجوانی	پیش آزمون	-۲/۹۵	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	-۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۲۳
	پیش آزمون	-۳/۳۲	۰/۴۵	۰/۰۰۰۱
	پس آزمون	-۳	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱

۰/۰۰۰۱	۰/۴۵	۳/۳۲	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۳۲	پیگیری		
۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	-۳	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	
۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	-۲/۵۷	پیگیری		مسئولیت‌پذیری
۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	۳	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۴۲	پیگیری		
۰/۰۰۰۱	۰/۵۰	-۴/۰۷	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	
۰/۰۰۰۱	۰/۴۹	-۳/۷۷	پیگیری		شادی
۰/۰۰۰۱	۰/۵۰	۴/۰۷	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۳۰	پیگیری		

همانگونه نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، تفاوت بین میانگین نمرات پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری متغیرهای واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین معنادار است. در حالی است که بین میانگین نمرات پس‌آزمون با پیگیری این متغیرها تفاوت معنادار وجود ندارد. این بدان معناست که میانگین نمرات واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین که در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، در مرحله پیگیری نیز این تغییر، ثبات خود را از دست نداده است. بنابراین مدل آموزش والدین براون در حالی که بر میانگین نمرات واکنش‌پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین در مرحله پس‌آزمون تاثیر معنادار داشته، توانسته تاثیر خود را در طول زمان نیز حفظ کند.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، تعیین تاثیر مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین شهر اصفهان بود. نتایج پژوهش نشان داد که مدل آموزش والدین براون بر میانگین نمرات واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال خارج از کنترل والدین اثر مثبت دارد و منجر به ارتقاء تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی و کاهش واکنش پذیری هیجانی شده است. با توجه به آنکه تاکنون تاثیر مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در حالی که بر میانگین نمرات واکنش پذیری هیجانی، تحول مثبت نوجوانی، مسئولیت پذیری و شادی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ نمی توان مستقیماً استنادی به همسویی و یا ناهمسویی نتایج با مطالعات گذشته، داشت؛ اما می توان نتایج را به صورت کلی و غیرمستقیم همسو با یافته های زندگی (۱۳۹۹) دانست. این محقق معتقد بود آموزش والدگری مثبت بر تقویت انگیزه های تحصیلی، مسئولیت پذیری و خودکارآمدی نوجوانان اثربخشی معناداری دارد. در همین زمینه نتایج پژوهش فرشادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داده بر افزایش شادی و نشاط، بهبود خودکارآمدی نوجوانان و کاهش تعارض والد-فرزندی آموزش والدین تاثیرگذار است. وولی (۲۰۱۹) نیز در پژوهشی اثربخشی آن را بر شادزیستن، احساس مسئولیت پذیری و ارتباط با فرزندان پرداخت تایید نمود.

در مورد مکانیسم اثر مدل آموزش والدین مبتنی بر براون در حالی که بر میانگین نمرات واکنش پذیری هیجانی نوجوانان خارج از کنترل والدین می توان بیان نمود آموزش والدین براساس براون موجب شده تا آن ها در نقش مراقبت کننده، به باورها یا قضاوت های یک والد از توانمندی هایش جهت نظم دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به ارتباط با نوجوان دست یابند و موجب تأثیر مثبت و موثر بر نحوه تعامل والدین با نوجوان شده است، شیوه انضباطی و باورهای والدین در مورد روش های موثر و مثبت والدگری و برقراری یک زندگی شاد و خوشبخت، موجب می شود که بر واکنش پذیری نوجوانان تاثیر بگذارد و این واکنش پذیری را در جهت مثبت و با کنترل درست هیجانات و عواطف انجام دهد. در تبیینی دیگر می توان گفت، آموزش والدین براساس مدل براون از طریق فراهم آوردن اطلاعات مناسب درباره رفتار با فرزندان نوجوان و نحوه رفتار در شرایط مختلف، سازگاری خود را بهبود بخشیدند و توانستند شرایط فرزندان نوجوان را بپذیرند و بر اساس اطلاعات دریافتی از برنامه مدل براون در شناسایی و رفع مشکلات فرزندان نقش مؤثرتری داشته باشند. اثر این

روش آموزشی، بهبود قابل ملاحظه ای در کارکرد والدین و نوجوان ایجاد نمود که در نتیجه به کاهش تعارضات و تنیدگی در قلمرو والدین منجر گردید. همچنین میزان استرس والدگری کاهش و اعتماد به نفس والدگری افزایش یافت و با تقویت باورهای خودکارآمدی به نوجوان، واکنش سازی آنها را در جهت مثبت و مؤثرتر هدایت کرده‌اند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که پروتکل آموزشی براون بر افزایش تحول مثبت نوجوانان خارج از کنترل والدین اثر مثبت دارد. در تبیین یافته های پژوهش می‌توان گفت، نوجوانان خارج از کنترل والدین، به علت مشکلاتی که برای خانواده دارند با تعبیر و تفسیرهای منفی در مورد خود مواجه هستند و آموزش براون به والدین باعث تعدیل احساسات بدون قضاوت و افزایش آگاهی آنها نسبت به احساسات و هیجانات روانی و جسمانی نوجوان، واضح دیدن و پذیرش هیجانات و دیگر تجارب درونی آنها، همان گونه که اتفاق می‌افتند، شده است. در واقع، این آموزش‌ها به والدین کمک نموده تا بتوانند پذیرشی بدون قضاوت نسبت به نوجوان خود و رفتارهایشان داشته باشند، و آگاهی آنها از رفتارها و هیجانات آنها، موجب می‌شود تا نرمش بیشتری در برابر آنها از خود نشان دهند، و این امر به نوبه خود مانع از تکرار چرخه بدرفتاری نوجوان شده و بسترهای تحول مثبت را در نوجوان فراهم کرده است.

در مورد مکانیسم اثر پروتکل آموزشی براون بر افزایش مسئولیت‌پذیری نوجوانان می‌توان بیان نمود این دوره آموزش والدین براساس مدل براون موجب کاهش افکار پریشان، پیش داوری و قضاوت ناصحیح و افکار و احساسات منفی والدین نسبت به فرزندان نوجوان شده و همچنین باعث آگاهی آنها از رویدادهای هیجانی و شناختی که موجب آسیب به روابط با فرزند شده و این فرآیند آموزش والدین نسبت به نوع مشکل فرزند و چگونگی مقابله موثر با هیجانات منفی نوجوان موجب شده تا تلاش بیشتری در جهت پذیرش و احساس مسئولیت نسبت به فرزند بردارند و با تقویت رفتارهای مثبت فرزند در خانه، بسترهای ابراز وجود و مسئولیت‌پذیری را در آنها بوجود آورند. از این رو، آموزش والدین می‌تواند بازشناسی اولیه نشانه های یک مشکل را در والدین ارتقاء بخشد و کاربرد این مهارتها به احتمال بسیار در پیشگیری از مشکل نوجوان تاثیر مستقیم داشته و برخورد منطقی و مناسب با رفتار نوجوان، بسترهای مسئولیت‌پذیری در آنها فراهم خواهد شد. در همین ارتباط وولی (۲۰۱۹) معتقد است، آموزش والدین از طریق فرایند ایجاد توانایی در تنظیم هیجان و عواطف اعضای خانواده

باعث کاهش علایم افت روانی که معمولاً با تجربه اضطراب و نگرانی در مورد مشکلات همراه است، شده به این صورت که، آموزش تکنیکها به والدین، موجب کاهش تنشهای روانی و بدنی آنان گردید، و در طی یادگیری این تکنیکها، میزان آگاهی آنها نسبت به مشکلات و هیجانات فرزندان نوجوان بالا رفته و این امر منجر به کاهش گزارش تنشهای آنها و در نتیجه آن، کاهش احتمال بروز رفتارهای ناسازگارانه که می توانست شروع کننده یک چرخه معیوب رفتاری در رابطه والد-فرزند شود و با توجه مثبت والدین به فرزند و تقویت رفتارهای مثبت آنها، بسترهای رفتار مسولانه را در آنها تقویت کنند.

در تبیین یافته های پژوهش در رابطه با متغیر شادی نیز می توان گفت، آموزش والدین براساس مدل براون موجب ارتباط کلامی و غیر کلامی مفید و مثبت بین والدین با فرزند نوجوان شده و موجب شده تا احساس رضایت خانوادگی بیشتری ایجاد شود، و این شرایط بطور مستقیم بر فضای عاطفی خانواده نیز تاثیر مثبت گذاشته و موجب احساس شادی و نشاط بین تمامی اعضای خانواده و بخصوص فرزند نوجوان شده است. همچنین، آموزش والدین براساس مدل براون توانسته سطح خودآزمندی در والدین را افزایش دهد و شرایط رفتار مثبت و سازگارانه فرزندان را بهبود ببخشد و موجبات فضای شاد و بانشاط را در خانواده بوجود آورد.

در تبیینی دیگر می توان گفت، طبق آموزش والدین براساس مدل براون، ذهن اعضای خانواده در مورد وقایعی که اتفاقی در خانواده می افتد تعبیر و تفسیر می کند و باعث واکنشها و احساسات پایداری می شود و افرادی که مستعد هیجانات منفی هستند ذهنشان دائماً معطوف به افکار ناراحت کننده و منفی است که این نیز به نوبه خود منجر به تداوم و تشدید بیشتر این هیجانات می شود و در این زمان، آموزش والدین باعث تعدیل احساسات بدون قضاوت و افزایش آگاهی آنها نسبت به احساسات و هیجانات روانی و جسمانی خود، واضح دیدن و پذیرش هیجانات و دیگر تجارب درونی آنها، همانگونه که اتفاق می افتند، می شود. و به فرزندان کمک می کند که بتوانند پذیرشی بدون قضاوت نسبت به خود و رفتارها داشته باشند، و آگاهی آنها از رفتارها و هیجانات خود، موجب می شود تا نرمش بیشتری در برابر والدین از خود نشان دهند، و با ارتباط مثبت با والدین احساس نشاط بیشتری را تجربه کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش به متخصصان حوزه روانشناسی نوجوانان ناسازگار و خارج از کنترل والدین به عنوان منابع قدرت پیشنهاد می‌شود به منظور کارآمد نمودن برنامه‌های آموزشی والدگری، با استفاده از پروتکل آموزشی بومی سازی شده مبتنی بر براون با افزایش خودتوانمندسازی در کنترل هیجانات و احساس مسئولیت، می‌توان گام‌های مؤثری در کنترل صلاحیت فردی و اجتماعی و افزایش تعهدات اجتماعی بعنوان عوامل حمایت کننده فردی و تحولی نوجوانان در جامعه برداشت. در مجموع با توجه به آنکه پژوهش حاضر بر روی نوجوانان خارج از کنترل و والدین آن‌ها شهر اصفهان انجام شده است، لذا در تعمیم نتایج بر سایر جوامع می‌بایست جوانب احتیاط را رعایت نمود. کمبود پژوهش‌های انجام شده در رابطه با تأثیرات مستدل و علمی آموزش والدین مبتنی بر براون در ایران و جهان از جمله محدودیت‌هایی بود که باعث گردید تا در تطابق میان نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر، پژوهشگران محدودیت‌هایی ایجاد گردد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده اثربخشی این مدل در سایر جوامع و نیز در سایر شهرها، اجرا شود.

منابع

- اتکنیسون، ر. و هیلگارد، ا. (۲۰۱۵). *زمینه روانشناسی*. ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران. (۱۳۹۷). تهران: رشد.
- آیزنک، م. (۲۰۱۵). *همیشه شاد باشید*. ترجمه علی چلونگر (۱۳۹۵). تهران: نسل نو اندیش.
- زندى، ر. (۱۳۹۹). *بررسی اثربخشی آموزش والدگری مثبت بر تقویت انگیزه های تحصیلی، مسئولیت پذیری و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان پایه اول ابتدایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه شیراز.
- دولتی، س.، کوچک انتظار، ر.، صادقی افجه، ز. (۱۳۹۹). *مدل یابی تحول مثبت نوجوانی بر اساس خودتنظیمی، شایستگی اجتماعی و پیوند والدینی*. نشریه علمی روانشناسی اجتماعی، ۹، ۴۵-۵۷.
- فرشاد، م. ر.، نجاریوریان، س و شنبدی، ف. (۱۳۹۷) *تاثیر آموزش والدگری مثبت مبتنی بر روی آورد ساندرز بر شادزیستی و تعارض والد - فرزندی دانش آموزان فصلنامه سلامت روان کودک*، ۱۵(۱)، ۲۰.
- گلاسر، و. (۲۰۱۲). *نظریه انتخاب: روانشناسی نوین آزادی فردی*. ترجمه فیروزبخت (۱۳۹۴). تهران: انتشارات رسا.
- مقبلی هنزائی، م.، زنجانی، ز.، امیدی، ع. (۱۳۹۹). *بررسی ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی مقیاس واکنش پذیری هیجانی در دانشجویان*. *مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت*، ۷(۱)، ۳۰۲-۳۱۲.
- Bamber, M. R. (2019). Early maladaptive schemas and depressive. New York: Guilford Press.*
- Brown, N. D. (2016). Ending the parent-teen control battle: Resolve the power struggle and build trust, responsibility, and respect. NY: Guilford Press.*
- Damon, W. (2017). What is positive youth development? The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 591(1), 13-24.*
- Driscoll, K. & Pianta, R. C. (2017). Mother's and father's perceptions of conflict and closeness in parent- child relationships during early childhood. Journal of early childhood and infant psychology, 7, 1-18.*

Larson, R., Walker, K & Pearce, N. (2017). Youth-driven and adult-driven youth development programs: Contrasting models of youth-adult relationships. *Journal of Community Psychology*, 33(1), 57-74.

Lerner, R. M. (2015). *Promoting Positive Youth Development: Theoretical and Empirical Bases*. Institute for Applied Research in Youth Development. Tufts University. Research Council, Washington, DC. National Research

Mennin, D. S., McLaughlin, K. A. & Flanagan, T. J. (2016). Emotion regulation deficits in generalized anxiety disorder, social anxiety disorder, and their cooccurrence. *Journal of Anxiety Disorders*, 23(7), 866-871.

Nock, M. K., Wedig, M. M., Holmberg, E. B., Hooley, J. M. (2018). The emotion reactivity scale: development, evaluation, and relation to self-injurious thoughts and behaviors. *Behavior Therapy*, 39(2), 107-106.

O'Bryan, E. M., McLeish, A. C., & Johnson, A. L. (2017). The role of emotion reactivity in health anxiety. *Behavior Modification*, 41(6), 829-845.

Sanders, M. R. (2012). Development, evaluation, and multinational dissemination of the triple p- positive parenting program. *Annual review of clinical psychology*, 8, 345-379.

Pianta, R. C. (2017). Education patterns of relationships between children and kindergarten teacher. *Journal of school psychology*, 32, 15-32.

Whittingham, K., Sofronoff, K., Sheffield, J., & Sanders, M. (2018). The affective communication skills on Motivation and responsibility. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.

Woolley, K. (2019). The effectiveness of positive parenting program in academic motivation, happiness and responsibility and communication students. *Journal of Family Psychology*, 20(2), 256-265.

The Efficacy of Brown's Parent Education Model on Emotional Responsivity, Positive Adolescent Development, Responsibility and Happiness in 12- to 15-Year-Old Adolescents Who Were Out of Parent Control

Azam Jalali, Mansoureh Bahramipour Isfahani

Abstract

The purpose of the present study was the efficacy of Brown's parent education model on emotional responsivity, positive adolescent development, responsibility and happiness in 12- to 15-Year-old adolescents who were out of parent control. The study method was quasi-experimental along with pre-test-post-test design and two-month follow-up period with the control group. The statistical population encompassed all parents who had 12- to 15-Year-old out of control adolescents and their children in Isfahan in the summer 1400. Therefore, 40 subjects were selected and assigned into two experimental and control groups (20 subjects in control group and 20 subjects in experimental group) randomly through inserting citation on consoling centers and inviting them to participate in the study and by using availability sampling method and by considering the exit and entry criteria. The experimental group participated in the training course for 8 sessions in 90 minutes; but there was no intervention for control group. The measurement instrument comprised of the Emotional Responsivity Questionnaire by Matuo & Nock (2008), the Positive Adolescents Development by Goldof et al. (2014), the Responsibility by Salkowski et al. (2000), The Happiness by Argyle, Martin and Kresland (1989), and the Murray Parent-Child Conflict Questionnaire by Murray and Strauss (1990). To collect data, the mixed-design analysis of variance model was used in **SPSS-24** software. The result indicated that Brown's parent education has a significant effect on variables of emotional responsivity, positive development, responsibility and happiness in 12 to 15 years-old adolescents who were out of parent control and the effects of education has remained constant over time (**p <0.01**). With regard to the efficacy of Brown's parent education model on promoting emotional responsivity, positive

development, responsibility and happiness in adolescents, it is suggested that an influential measure should be implemented by experts due to compiling educational and healthful programs for out of control adolescents.

Keywords: Brown's Parent Education, emotional responsivity, positive adolescent development, responsibility, happiness, adolescent